



اصالت سنجی

مقاله ترویجی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:
 Explanation of the basics of
 communication planning concept in
 urban planning
 در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۵، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صفحه ۸۳-۹۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۸، تاریخ بررسی اولیه: ۱۴۰۰/۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵، تاریخ

انتشار: ۱۴۰۱/۱/۱۵

تبیین پایه های مفهوم برنامه ریزی ارتباطی در حیطه برنامه ریزی شهری

طرلان صادقی پور*

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده: در دیدگاهی کلی و جامع، سنجش میزان تحقق و تناسب برنامه ریزی در جوامع انسانی، ارتباط تنگاتنگی با روش های کاربرست اقدامات و میزان همگام سازی مردم در راستای ایجاد تحول و تغییر پیشرو خواهد داشت. در راستای حرکت زیستگاه های اصلی انسانی، یعنی شهرها، به سمت توسعه و ارتقا، راهکارهای پیشین فاقد اعتبار و ارزش شده و می بایست به عنوان برنامه ریزان شهری، به دنبال راه حل های نوین در زمینه ارائه و اجرای موفق طرح ها باشیم. با ظهور مباحثی همچون آزادی در ابراز عقاید توسط انسان ها به عنوان بهره برداران اصلی عناصر و فضاهای شهری، حال توجه به نیازها و خواسته ها اولیه، از ارکان اصلی و جدا نشدنی برنامه ریزی شهری گردیده است. مفهوم برنامه ریزی ارتباطی که توسط هابرماس مطرح گردید، به اهمیت مباحثی همچون مشارکت، گفت و گو و همکاری میان تصمیم سازان و حاضرین در جوامع پرداخته و بر این باور است که دلیل ناکامی و کاهش میزان تحقق پذیری طرح ها و برنامه های پیشنهادی، بی توجهی به جایگاه و نیازهای انسانی و ممانعت مسئولان در راس قدرت از مشارکت مردم در ابعاد گوناگون می باشد. پژوهش پیش رو، در نظر دارد تا به تبیین اصول برنامه ریزی ارتباطی و کاربرست آن در برنامه ریزی شهری بپردازد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی ارتباطی، هابرماس، برنامه ریزی عقلانی، مشارکت

*tarlans071@gmail.com

۱- مقدمه

شدن، تکامل منطقی و ... انجام شد(همان). هابرماس در "نظریه گفتمان" و در نوشته های متعدد خود، به اهمیت نقش "گفت و گو" در ساختار بندی اجتماعی، ایجاد تغییرات، مبارزه با بحران ها، ایجاد مشروعیت و ... می پردازد. او با متفکران دیگری همچون پوپر، گادامر، پیروان نظریه سیستم ها و پست مدرنیست ها به گفت و گو و مباحثه پرداخته و از هر فرصتی برای مسافرت به کشورهای مختلف جهان استفاده می کند. هابرماس برای شناخت سایر فرهنگ ها در سراسر جهان حضور یافت و اهمیت ارتباطات را برجسته ساخت(بهرامی: ۱۳۸۱).

امروزه در اداره جوامع بر مفاهیمی جدیدی تأکید

یورگن هابرماس با نوشتن کتاب "تحول ساختاری حوزه عمومی" وارد عرصه روشنفکری آلمان شد. انتشار این اثر در دهه ۱۹۶۰ بحث ها و مشاجراتی را باعث شد. هابرماس در سال ۱۹۶۳ به مباحث معروف "آدورنو پوپر" وارد شد و با هانس آلبرت و پوپر به مشاجره پرداخت (Anderson, 2000).

هابرماس محققانی را که تئوری انتقادی اجتماعی را به کار بردند را گرداگرد هم آورد تحقیقات در استازنبرگ به کمک هابرماس و همکارانش روی موضوعاتی همچون هویت خود، توانایی ارتباطی، توسعه اخلاقی، آسیب شناسی اجتماعی، فرآیند عقلانی

می شود که قبلاً دور از نظر بود. یکی از این مفاهیم مسئله مشارکت ارکان اصلی جوامع با همدیگر است. در واقع از اواخر دهه ۵۰ میلادی و به دنبال شکست برنامه های توسعه مبتنی بر دیدگاه نوسازی، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی در ادبیات توسعه مطرح شد. عدم موفقیت این برنامه ها در رسیدن به اهداف خود این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه ها موجب ناکامی آن ها شده است. از این رو در واکنش به این موضوع، مفهوم مشارکت به عنوان ورود شهروندان در تصمیم گیری های عمومی و برنامه ریزی در زمینه های مربوط به آن در مرکز توجه برنامه ریزان قرار گرفت و فرآیندهای تقویت کننده مشارکت مردم به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد (حسین زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۰).

مطرح شدن اهمیت مباحثی همچون مشارکت در برنامه ریزی شهری خصوصاً در کشورهای توسعه یافته سبب وارد شدن این مفهوم در ادبیات توسعه کشورهای در حال توسعه گردید و این کشورها عامل اصلی موفقیت در برنامه ریزی و اداره شهرهای خویش را در مفهوم مشارکت خلاصه کردند و به این نتیجه رسیدند که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی با تکنولوژی مدرن با نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاجداره، ۱۳۸۸: ۴۶).

موارد فوق باعث مطرح شدن مقوله مشارکت در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران شد و همه متخصصان امور شهری در این کشورها به اهمیت آن در ساماندهی مشکلات و طرح های شهری اقدام کردند. ساختار مدیریت شهرهای ایران نیز دست خوش این تغییرات شد. یکی از این تحولات مهم در عرصه سیاسی - اجتماعی کشور تشکیل شوراهای شهر در سال ۱۳۷۷ بود هدف نهایی از استقرار شوراها نیز این بود که زمینه مشارکت مردم در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی جامعه ایجاد شود. به عبارت دیگر، از تمرکز قدرت در دست عده ای خاص از افراد جامعه، جلوگیری و قدرت در بین افراد جامعه توزیع شود (رسولی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۹) با تحولات صورت گرفته، هنوز مفهوم مشارکت در شهرهای ایران تحقق نیافته است. به طوری که در فرآیند برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرای یک طرح، مردم یا اصلاً نقشی ندارند، یا نقش کم رنگ و حاشیه ای دارند (اسماعیل زاده و صرافی، ۱۳۸۵: ۳).

امروزه، بیشتر مقامات در زمینه برنامه ریزی شهری، نقش شهروندان را در حداقل ترین شرایط قانونی نگه می دارند (Modernising department, 2014). مشارکت شهروندان توسط برخی از مقامات به عنوان یک بار اضافی تلقی می شود، امری که برای ادامه کار باید انجام شود و نه فرصتی برای کمک ارزشمند. تحقیقات نشان داده است که خصوصاً توسعه دهندگان این عقیده را دارند، در حالی که برنامه ریزان و سیاستمداران برای اطمینان از روندهای دموکراتیک و شنیدن نظرات و خواسته های همه احزاب در جامعه، مشارکت را مهم تر می دانند (Hansen, 2011).

کاری که برنامه ریزان در بیشتر اوقات انجام می دهند گفتگو و تعامل است. محققان در زمینه برنامه ریزی نشان داده اند که این "تعامل" حالتی نسبی از عمل ارتباطی است. یعنی گفتگو و سایر اشکال ارتباطی تنهایی باعث تغییر افراد و موقعیت ها می شود. محققان به ما نشان می دهند که نه تنها این ارتباط بخش مهمی از علم و فرآیند برنامه ریزی است، بلکه همچنین به عنوان محقق و مجری باید به این بعد اساسی از عمل توجه واضح تر و سیستماتیک تری داشته باشیم. برنامه ریزان عمیقاً درگیر شبکه ای از فعالیت های ارتباطی و تعاملی هستند که اقدامات عمومی و خصوصی را از راه ها و زمینه های مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار

مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک" به این نتیجه رسید که بین بعد ذهنی مشارکت در شهرهای تحت مطالعه به عنوان متغیر مستقل و مشارکت مردمی ارتباط معناداری وجود دارد و بستر مشارکت در شهرهای تحت مطالعه از بعد ذهنی و به صورت بالقوه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست.

رفیعیان(۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان "نقش کاربرد رویکرد برنامه ریزی ارتباطی در نظریه های نوین شهرسازی" دریافت که حرکت جامعه به سوی تشکیل شوراهای محلی و تشکل های مردم نهاد می تواند از اولین گام ها برای رسیدن به برنامه ریزی ارتباطی و تعاملی جوامع محسوب گردد.

متوسلی(۱۳۹۵)، در مقاله ای با عنوان "کنش جمعی، نقطه اتصال تفکر نهادگرا و نگرش برنامه ریزی ارتباطی" دریافت که در فضای کنونی جوامع انسانی، اهمیت ساختار نرم، حکمرانی در شکل دهی به توسعه، نگرش و هویت انسانی در حال افزایش است.

طراهانی(۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل منفعت عمومی در نظریه برنامه ریزی ارتباطی" به این نتیجه دست یافت که تحلیل منفعت عمومی به عنوان فرآیندی پیچیده، جامع و چند بعدی که به جز رشد اقتصادی کلیه ابعاد و همه نیروهای یک اجتماع را شامل شده مستلزم برنامه ریزی اصولی و موثر که در بردارنده فرآیند تعاملی میان نیرو های موثر است می باشد.

Mannberg(۲۰۰۶)، در پژوهشی تحت عنوان "برنامه ریزی ارتباطی (چگونه) کار می کند؟" دریافت نیاز به توسعه درک عمومی از فرصت ها و موانع در روند برنامه ریزی محلی در مورد توسعه پایدار ، با تمرکز بر سرمایه اجتماعی و لنگر انداختن در محیط فیزیکی / جغرافیایی آن ضروری است.

Simeonova(۲۰۰۹)، در مقاله با عنوان "نیاز به یک رویکرد ارتباطی برای بهبود ادغام سیاست های زیست محیطی در برنامه ریزی کاربری اراضی شهری"

می دهد ، و اخیرا در ادبیات برنامه ریزی به رسمیت شناخته شده است(همان).

۲- پیشینه پژوهش

نظام بهرامی(۱۳۸۱)، در پژوهشی تحت عنوان "گفت و گو در اندیشه هابرماس" دریافت که از آنجا که مهم ترین وسیله در حوزه تعامل، ارتباط و به ویژه ارتباط زبانی است، نقش گفت و گو در اندیشه های هابرماس غیر قابل انکار است.

رکن الدین افتخاری و بهزاد نسب(۱۳۸۳)، در پژوهش با عنوان "برنامه ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه ریزی" ، با تأکید بر برنامه ریزی توسعه روستایی به این نتیجه رسیدند که رویکرد ارتباطی در برنامه ریزی به دور از کاستی های رویکرد عقلایی گرای، واجد ارزش های لازم برای تحقق فرآیند مطلوب برنامه ریزی توسعه روستایی در کشور است.

حبیبی و سعیدی رضوانی(۱۳۸۴)، در پژوهش با عنوان "شهرسازی مشارکتی کاوشی نظری در شرایط ایران" با بررسی برخی از مهم ترین نظریه های شهرسازی مشارکتی، با توجه به شرایط ایران در راستای دستیابی به انگارهای تلفیقی، این نظریه ها را با هم مقایسه کرده و به تبیین جایگاه ایران در زمینه شهرسازی مشارکتی پرداختند.

تقوایی(۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان "تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری"، دریافت که هر چه احساس مالکیت در میان شهروندان بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت آنان افزایش پیدا می کند. همچنین معتقدند که هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت دارند.

زیاری(۱۳۸۸)، در مقاله ای تحت عنوان "بررسی

نظریه های گروه نخست به (نظریه مستقل) نیز معروف است که در رشته های گوناگون علمی مورد استفاده قرار می گیرد. این نظریه ها اساس و پایه کار و تولید برنامه های توسعه از جانب برنامه ریزان در رشته های مختلف هستند که مانند سایر نظریه ها به دو گروه تبیینی و دستوری به شرح زیر تقسیم می شوند:

الف) نظریه های تبیینی: در بردارنده نظریه های تشریح کننده پدیده های اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی است که برنامه ریزان رشته های مختلف با آن سروکار دارند، نظیر؛ تئوری های مکان شهر، ساختار و نظام اقتصادی، آستانه اقتصاد شهری، ساختار و نظام اجتماعی و ...

ب) نظریه های دستوری یا کاربردی: در زبان تهیه و ارائه راهبردها، پیشنهادات و طرح های مورد نظر برای حل مشکلات کوتاه مدت و بلند مدت مورد استفاده قرار می گیرد (نادری، ۱۳۷۱: ۳۳).

نظریه های گروه دوم با (عنوان نظریه های اجتماعی) برای برنامه ریزی نیز ذکر می شوند که وضعیت کنونی جامعه و برنامه ریزی آینده آن را مطرح و پیش بینی می کند. این نظریه ها، رابطه نزدیکی با نظریه های اخلاقی و سیاسی در جامعه دارند.

نظریه های گروه سوم به (نظریه های روش برنامه ریزی) نیز معروف هستند که هدف آنها معطوف به چگونگی فرآیند برنامه ریزی و تشریح عملیات آن بوده است و همواره به صورت دستوری و کاربردی، اصولی را برای پیشرفت اینگونه فرآیندها و اقدامات ارائه کرده است. به عنوان مثال مشخص می کند که سازماندهی و اجرای برنامه ریزی در سطوح و ابعاد مختلف از چه اصول و نگرشی تبعیت کرده است و دارای چه ویژگی ها و متغیرها و روش های اجرایی می تواند باشد.

میان (نظریه در برنامه ریزی) و (نظریه برنامه ریزی) تفاوت واضحی وجود دارد. نظریه برنامه ریزی، ماهیت و چگونگی فرآیند و عمل برنامه ریزی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهد، در صورتی که نظریه در

به این نتیجه دست یافت که یک رویکرد ارتباطی احتمالاً شرایطی را برای بهبود در زمینه برنامه ریزی استفاده از زمین شهری فراهم می کند زیرا مربوط به ایجاد تصمیم مشترک بین دولت و شهروندان است.

و در نهایت، Kirkhaug (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان "ارتباطات در برنامه ریزی شهری: چگونه کیفیت ارتباطات می تواند مشارکت سازنده شهروندان را تسهیل کند" به این نتیجه رسید که شهروندان منطقه امن خود را در راستای بهره گیری از خدمات و ایجاد تعاملات می دانند و می توانند با مشاهدات و دانش که بازیابی آن دشوار است، در تجزیه و تحلیل شرکت کنند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- نظریه برنامه ریزی: همان گونه که از مقدمه بیان شده استنباط می شود، رویکرد برنامه ریزی ارتباطی که با عنوان (نظریه برنامه ریزی ارتباطی) هم مطرح می شود در گروه «نظریه های برنامه ریزی» قرار می گیرد.

از نظریه تعاریف گوناگونی شکل گرفته است:

نظریه مجموعه ای است، از تعریف ها و پیشنهادها در خصوص تعدادی متغیر به هم پیوسته که همه این تعریف ها و پیشنهادها، بعد منظم و مدونی از وقایع و پدیده هایی که در اثر همبستگی ها و تداخل این متغیرها به وجود می آید، را عنوان می کند (نادری، ۱۳۷۱، ۲۲).

از دهه ۱۹۶۰ میلادی به تدریج نظریه پردازی از حالت کلی و جهان شمول به سوی انفکاک کاربردی سوق پیدا کرد و نظریه پردازان و برنامه ریزان سه نوع نظریه برنامه ریزی مرتبط به هم را از یکدیگر تفکیک کردند که به شرح زیر است (Mc Connell, 1980).

۱- نظریه در برنامه ریزی

۲- نظریه برای برنامه ریزی

۳- نظریه برنامه ریزی

کسانی همانند دکارت، کانت و بعدها بیکن روی داد. آن ها با پایه گذاری مسائلی همچون آزادی، برابری و تغییر جهان که در زمان خود بی سابقه بودند، زمینه های فکری مدرنیته را فراهم کردند که پیامدهای آن، صنعت، سرمایه داری، علوم تجربی، خردگرایی و اومانیزم بود. به عبارتی، مدرنیته فرآیند فکری است که از قرن هفدهم به تدریج در اروپا شروع شده و به عصر خرد اشاره دارد و تمدنی را به وجود آورده است که غالباً انسان محور است. ویژگی اصلی مدرن این است که انسان و عقل او را محور و موضوع اندیشه خود قرار می دهد (رفیعی، ۱۳۸۷). این تغییر در تفکرات و اندیشه ها در قرون اخیر در غرب موجب تغییرات در زمینه های دیگر شده و بستر را برای رشد و توسعه فراهم آورده است (ریانی، ۱۳۸۶، ۷۷-۷۳). مدرنیته یک رویکرد عقلانی است که بازتاب آن حرکت پیوسته به سمت پیشرفت است. مدرنیته نو شدنی است که در فکر یا در عالم خارج رخ می دهد و غالباً از پیش برنامه ریزی شده نیست و به عزم و اراده شخص یا کسی پدید نیامده و به عزم کسی هم عوض نمی شود. حقیقت و روح عصر جدید، مدرنیته است و تحقق آن مبتنی بر تأسیس مبانی مدرن در تفکر بشر است. این مفهوم، در مسیر تاریخی خود با مسئله تغییر شکل شهرها و رشد شهرنشینی و پیدایش نهادهای جدید اجتماعی، حضور مردم در عرصه های مختلف و ایجاد نظام های قانونی همراه شده است (جبری مقدم، ۱۳۸۴: ۲۵). موارد بالا نشان می دهد که مهم ترین خصلت این رویکرد قبل از هر چیز پذیرفتن انسان به عنوان یگانه منبع تعیین ارزش ها (ثقفی، ۱۳۷۴: ۱۱) است. همچنین یکی از مهم ترین محصولات مدرنیته توجه به اهمیت دموکراسی به عنوان نظامی کارآمد برای مدیریت امور سیاسی جامعه است دموکراسی با تأکید بر برابری میان انسان ها در حقوق اساسی و در دستیابی به امکانات برای تحقق استعدادها، شرایط مساعدی را برای مشارکت هر چه گسترده تر افراد در فرآیند افزایش

برنامه ریزی، به بررسی و تجزیه و تحلیل موضوعات و متغیرهای برنامه ریزی اختصاص دارد. به عنوان مثال چگونگی فرآیند برنامه ریزی و مراحل آن به نظریه برنامه ریزی مربوط می شود در حالی که نظریه توسعه، نوعی نظریه در برنامه ریزی است. واقعیت این است که به طور نسبی در ایران نظریه های در برنامه ریزی بیشتر از نظریه های برنامه ریزی مورد توجه بوده اند و ریشه برخی از عدم توفیق ها در انواع مختلف برنامه ها را باید در همین امر جستجو کرد (عسگری: ۱۳۷۷).

۲-۳- برنامه ریزی به عنوان یک اقدام ارتباطی:

برنامه ریزی، و به طور خاص برنامه ریزی محیطی، فرآیندی است برای تعامل و برهم کنش های جمعی، برای پرداختن و کار کردن با تمرکز بر این موضوع که چگونه به حل نگرانی های مشترک بپردازیم و همچنین این موضوع که تا چه حد برای گشودن مشکلات پیش رویم و چگونه در مدیریت تغییرات محیطی عمل می کنیم. برخی از صاحب نظران این چنین استدلال می کنند که عقل باوری علمی منبع اصلی این اقدام را فراهم می کند که اما با فروپاشی چیرگی غالب دیدگاه تک بعدی عقلانیت علمی، این امکان به طور طبیعی به دسته فراموشی سپرده شد. از کسانی که در تبیین و توسعه این دیدگاه در برنامه ریزی پیش رو بودند، می توان به کارل مانهایم اشاره کرد (عسگری، ۱۳۹۲: ۱۲). هر گونه توسل به دانش علمی و یا روند های کاری عقلانی در حال حاضر باید در بردارنده سایر انگاشت های عملی دموکراتیک در جهان باشند. هابرماس گزینه ای را ارائه می دهد که برداشتی از پتانسیل های رهایی بخش و دموکراتیک استدلال را حفظ می کند اما به طور گسترده تری شامل درک اخلاقی، تجربه زیبایی شناسی و همچنین اشکال استدلال عقلایی-فنی است (Healy, 1993: 455).

۳-۳- مدرنیته و زمینه سازی برای مطرح شدن مفهوم مشارکت: زمینه های فکری مدرنیته با افکار

فرصت بقا و رشد زیست بوم فراهم می آورد (پایا، ۱۳۸۷).

همچنین با این شرایط مفاهیمی مانند شهروندی نیز مطرح می گردد. شهروندی پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن خواهد بود. باید اذهان داشت که اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است. به طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است. ویژگی اساسی شهروندی نیز وجود اخلاق مشارکت است (غفاری نسب، ۱۳۹۱).

۳-۴- عقلانیت ارتباطی هابرماس (میان کنش عین و ذهن): هابرماس نظریه کنش ارتباطی را در سال ۱۹۸۱ در دو جلد کتاب هایی با همین نام منتشر کرد. این نظریه تلاش اندیشه گری است برای پیروزی و غلبه بر نارسایی های مدرنیسم و تناقض های زندگی مدرن، مانند از دست رفتن معنا و آزادی، شیوع جنگ ها و خونریزی ها و پدیده هایی از این دست که به نوعی نتیجه خرد باوری عصر مدرنیته انگاشته می شود. هابرماس کوشیده است تا به یاری منطق گفت و گو کلید رهایی را باز یابد و خرد باوری را روسفید کند. او از عقلانیت ارتباطی صحبت می کند که بر منطق مکالمه استوار است (نظام بهرامی، ۱۳۸۱).

هابرماس بین سیستم (مبتنی بر کنش عقلانی معطوف به هدف) و (جهان زیست) که مبتنی بر کنش ارتباطی است تفاوت هایی قائل می شود. اما آن ها را به شکل دیالکتیکی لازم و ملزوم یکدیگر می داند. او مدعی است در سیستم، عقلانیت ابزاری حاکم است و در زیست جهان، باید عقلانیت ارتباطی حاکم باشد. اما اگر به دلایلی کاربرد عقلانیت ابزاری به قلمرو زیست جهان شیوع پیدا کند موجب استثمار این حوزه می شود و آن چه به عنوان پیامدهای منفی مدرنیته می

شناسیم پدید می آید. بنابراین باید با توسل به گفت و گوی آزاد و دور از سلطه، به بازسازی حوزه زیست جهان پرداخت و موجبات گسترش عقلانیت ارتباطی را در این حیطة فراهم نمود تا انسان دوباره به معنا و آزادی دست پیدا کند و پروژه مدرنیسم به طور کامل اجرا شود (همان).

به طور خلاصه می توان گفت هابرماس در نظریه کنش ارتباطی دو مفهوم سیستم و جهان زیست را در مقابل یکدیگر قرار می دهد. جهان حیاتی، جهان معنا و اجماع و توافق و کنش ارتباطی و رابطه بین ذهنی انسان ها است. در مقابل، عناصر اصلی سیستم را پول و قدرت تشکیل می دهد (همان).

برخی چنین استدلال می کنند که افراد در جوامع انسانی با یکدیگر زندگی می کنند ولی با تفاوت های آشکار و صریح. این موضوع در فضا و زمان یکسان همواره ما را به جستجو برای یافتن راه هایی در جهت توافق در مورد نحوه پاسخگویی به نگرانی های غالباً جسمی هدایت می کند. عقلانیت ارتباطی هابرماس در اندیشه های خود تشابه زیادی با انگاشت های منطق عملی داراست، که گستردگی آن از یک سو بر برداشت از مفهوم برهان به عنوان یک منطق خالص و تجربه باوری علمی دلالت می کند و از یک سو در بر گرفتن تمام راه های برای درک دانش و به کارگیری این دانش در عمل را پیشنهاد می دهد (همان).

هابرماس استدلال می کنند که بدون برخی از استدلال ها، ما هیچ راهی برای رهایی از بنیاد باوری و هیچ باوری نخواهیم یافت. برای او، برداشت از یک فرد مستقل خود آگاه به معنای پالایش دانش فرد در برابر اصول منطق و علم است که، می تواند با برداشت از دلیل به عنوان درک متقابل بین ذهنی جایگزین شود که توسط افراد خاصی در زمان و مکان خاصی پدید آمده است، بنابراین دلیل بر اساس زمان و در موقعیت های خاص تاریخی قابل تعریف است. هر دوی عین و ذهن

عناوین مختلفی در مورد توصیف نظریه ارتباطی مورد استفاده قرار گرفته است. این تنوع در حقیقت نشان دهنده ارزش گذاری هنجاری تفکر نظری است و همچنین به دلیل تفاوت‌های بارز است که بین پایه‌های نظری اشکال مختلف برنامه‌ریزی ارتباطی وجود دارد (عسگری، ۱۳۹۲: ۱۸).

آنچه که حائز اهمیت است، این است که نظریه پردازان در این بحث باید به تعریف دقیقی از تمام موارد استفاده شده بپردازند (Allmendinger, 2002: 5-24).

اجزای اصلی اتصال یک رهیافت ارتباطی عقلانی به برنامه‌ریزی شهری را می‌توان شامل این موارد دانست:

- برنامه‌ریزی به عنوان یک فرآیند میان‌کنشی و تفسیری اتفاق می‌افتد.

- برنامه‌ریزی در میان جوامع گفتمانی متنوع و انعطاف پذیر رخ می‌دهد و همه این جوامع در فرآیند تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی موثر هستند.

- روش‌شناسی بحث در فرآیند برنامه‌ریزی، بر اساس احترام "بین فردی" و "بین فرهنگی" است.

مطالبات چندسویه در راستای ایجاد و تصویب اشکال و انواع گوناگون سیاست‌های توسعه صورت می‌پذیرد تا تمام نظرها و عقاید در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شوند.

- توسعه یک ظرفیت مجدد که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد که گزینه‌های موجود را ارزش‌گذاری نمایند و همچنین به باز ارزش‌گذاری آن‌ها بپردازند.

- گفتمان‌های راهبردی برای ورود تمام افراد باز است به نحوی که دربرگیرنده همه احزاب بهره‌مند خواهد شد که هر یک به نوبه خود، گفتمان‌های برنامه‌ریزی جدید را ایجاد می‌کنند که منتج به شکل‌گیری بحث‌های جدید خواهد شد.

- مشارکت‌کنندگان در گفتمان از دیگر شرکت‌کنندگان، دانش‌های جدیدی کسب خواهند کرد علاوه

در این فرآیند درگیر هستند و فرآیند بر هر دو تمرکز می‌کنند نه صرفاً بر ذهن (همان).

۵-۳- کاربرد برنامه‌ریزی ارتباطی در برنامه‌ریزی شهری

گرفتاری در بن‌بست رویکردهای پیشین برنامه‌ریزی به ویژه رویکردهای عقلانی جامعه و نیز میل به ارتقای جایگاه فکر و عمل برنامه‌ریزی شهری، سبب پیگیری اندیشمندان امر برنامه‌ریزی شهری برای نظریه‌ها و رهیافت‌های نوین شد. (جان فریدمن) در کتاب (پیگیری مجدد آمریکا: نظریه برنامه‌ریزی معامله‌ای ۱۹۷۳) بر اهمیت ارتباطات بین‌فهم و عمل، گفتگو و آموختن تأکید کرد. وی یکی از نخستین کسانی بود که ارتباط را به عنوان یک راهکار برای برنامه‌ریزان مطرح کرده و به دانش اجتماعی و یادگیری متقابل در فرآیند برنامه‌ریزی، در مقیاسی محلی، اعتبار بخشیده است (فریدمن، ۱۳۸۸).

در قالب این نظریه‌ها، زیست‌جهانی‌ترسیم می‌شود که در آن همه امور با گفتمان میان‌ذی‌مدخلان امر به پیش می‌رود. مردم و مسئولان پیرامون هر مشکلی به مذاکره می‌پردازند و در نتیجه نیازی به تأکید بر نقش قدرت و اختلاف فرادست و فرودست وجود ندارد. بنابراین برنامه‌ریزی ارتباطی اذعان دارد که شناخت و کنش در عرصه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی، باید به شیوه عقلانیت ارتباطی و تلاش بین‌الذهانی در مفاهیم متمایل میان‌اعضاء اجتماع صورت پذیرد و از اصول منطق و شناخت تجربی که به شکل علمی سازماندهی شده‌اند، پشتیبانی می‌نماید. تأکید این نوع از برنامه‌ریزی بیشتر بر فرآیند است تا محتوا. به عبارتی معتقد است که طی یک فرآیند ارتباطی صحیح و به دور از سلطه، به نتیجه و محتوای قابل قبول هم می‌انجامد (شفیعی، ۱۳۹۰، ۱۴۳).

نکته اول، در نظر گرفتن این اندیشه است که تنها یک الگوی شناخته‌شده تحت عنوان (چرخش ارتباطی) در برنامه‌ریزی شهری وجود دارد. در سال‌های اخیر

بر این که منجر به یادگیری روابط، ارزش ها و درک های جدید خواهد شد.

• این امکان برای مشارکت کنندگان وجود دارد که برای تغییر شرایط موجود به همکاری بپردازند.

• مشارکت کنندگان به یافتن راه های عملی برای دستیابی به علائق برنامه ریزی خود، تشویق می شوند و نه این که تنها به موافقت با اهداف خرد و مرتب نمودن آن ها بپردازند. (همان منبع).

۳-۶- زمینه پیدایش برنامه ریزی ارتباطی:

نخستین ریشه های نظریه های برنامه ریزی ارتباطی در جنبش دموکراتیک دهه ۱۹۹۰ میلادی در اروپا و ایالات متحده شکل گرفت، اما توسعه علوم اجتماعی و فلسفه در سال های اخیر نیز یکی از عوامل شکل گیری چارچوب نظری این نظریه هاست. یکی از مهم ترین منابع در برنامه ریزی ارتباطی، نظریه عمل ارتباطی بورگن هابرماس است، پایه این تفکر بر این نظر است که، اعمال ابزاری و راهبردی موارد بسیار خاصی از عمل انسان است که فقط به موفقیت می گراید. به این ترتیب این نظریه به نمایان کردن عقلانیت ابزاری می پردازد. عمل ارتباطی واقعی از یک دیدگاه، میان کنش های انسانی را به عنوان یک بحث اصلی مورد بررسی قرار می دهد، از سوی دیگر، پایه آن بر توانایی انسان برای متناسب ترین اعمال خود بر اساس یک درک مشترک از واقعیت و یک مجموعه مشترک از هنجارهای پذیرفته شده است. این نظر از خلال بحث های گفتمانی و پس از آن، بر اساس مباحثه های منسجم پدید آمده است. شالوده این نظریه از نگاهی بدبینانه به جامعه شکل گرفته است، اما با این حال، به رشد بوروکراسی و بازار که در آن عمل ابزاری و راهبردی غالب است نیز تمایل دارد (عسگری، ۱۳۹۲: ۸).

از آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی، نظریه برنامه ریزی ارتباطی از طریق نظریه پردازان، با سایر روش ها و نظریه های از علوم اجتماعی و فلسفه، مانند نظریه مباحثه، تحلیل

گفتمانی، و سخن شناسی سازش یافته است. به طور کلی نظریه ارتباطی به نوبه خود یکی از ویژگی های مشترک در علوم اجتماعی ماهر و نظریه برنامه ریزی است (Hutchison, 2009: 606-607).

۳-۷- عقلانیت و عمل برنامه ریزی: اگر برنامه ریزی به عنوان اقدام ارتباطی درک شود، یک چالش به وجود می آورد، نه تنها بیان نقش جدیدی برای اطلاعات، بلکه همچنین به منظور ایجاد مفهومی منطبق یا منطقی که بتواند موضع اخلاقی و قانونی را برای برنامه ریزان فراهم کند. عقلانیت ابزاری و علمی هیچ راهنمایی برای ارائه روند ارتباطی جاسازی اطلاعات در افراد، شیوه ها و موسسات ندارد. اگر مشورت و یادگیری به روش مشارکتی و ارتباطی انجام شود، ما به قوانین مناسب، موازی با قوانین علمی، برای اطمینان از قابل قبول بودن و ارزشمند بودن محصولات این بحث و همچنین اطلاع رسانی مناسب به قوانین، نیاز داریم (Innes, 1998).

چندین اصل را می توان برای ارزیابی عقلانیت تفسیری یک فرآیند مشورت استفاده کرد. اول، افرادی که نماینده تمام منافع مهم در این موضوع هستند باید در جدول باشند. همه ذینفعان باید کاملاً و به یک اندازه آگاه باشند و قادر به نمایندگی خود باشند. منافع همه باید به یک اندازه توانمند باشند. در بحث مطرح شده است: اختلاف قدرت از سایر زمینه ها نباید بر کسی که می تواند صحبت کند یا به او گوش داده شود یا نه تأثیر بگذارد (بی طرف باشد). بحث باید با دلایل خوب و منطقی ادامه یابد، به طوری که در قدرت یک بحث خوب پویایی مهم است. بحث باید اجازه دهد همه ادعاها و فرضیات مورد سال قرار گیرند، همه محدودیت ها مورد آزمایش قرار می گیرند (همان).

می توان ادعا کرد که نتایج چنین فرآیند ارتباطی تا حدی در حالی که این شرایط تأمین شود منطقی خواهد بود. مانند روش علمی، شرایط عقلانیت ارتباطی

است:

- عدم برخورداری مشارکت کنندگان از قدرت واقعی
- عدم وجود ضمانت اجرایی برنامه، حتی در صورت توافق مشارکت کنندگان.
- مشخص نبودن موضوع دقیق مورد مطالعه.
- مطرح شدن عقلانیت به صورت یک آرمان خیال باورانه و دست نیافتنی.
- عدم امکان جدایی عقلانیت برنامه ریزان از منافع شخصی خود.
- ضعف در فروض اولیه برنامه ریزی ارتباطی از جمله تلاش همه گروه های ذی نفع برای ارتقاء دموکراسی.
- ضعف در خصوص شناسایی گروه های ذی نفع و چگونگی مشارکت آن ها.
- تضعیف جایگاه حرفه ای برنامه ریزان و کاهش سطح تخصصی برنامه های شهری (عسگری، ۱۳۹۲: ۲۱).
- برخی صاحب نظران انتقادهایی را بر نظریه و عمل برنامه ریزی ارتباطی وارد می کنند از جمله صاحب نظران منتقد به نظریه برنامه ریزی ارتباطی از فاینشتاین، تئودور جونز نام برد. شالوده و اساس این انتقادات در چند جهت کلی قابل پیگیری است:
نخست، نظریه برنامه ریزی ارتباطی به دلیل تلاش خود برای حفظ نمودن فرآیند برنامه ریزی از مداخله گرایش های نخبه باور، در کاربست و اجرای برنامه با مشکلات روبرو خواهد شد. مدل ارتباطی نباید به دلیل آرمان های خود در راستای حمایت از تنوع و گشودگی مورد اعتراض و خرده گیری قرار گیرد. در واقع، آسیب پذیری آن در گرایش به جایگزین نمودن پند اخلاقی در تحلیل ها نهفته است (Fainstein, 2000, 464).

هرگز به طور کامل برآورده نمی شود، اما تلاش برای تقریب آن ها باید اطمینان حاصل کند که دانش و دیدگاه های مهم را در نظر می گیرند، که از نظر معنا و از نظر اجتماعی عادلانه هستند و به سادگی انجام نمی شوند. همکاری در موقعیت های ضعیف و دارای نقص صورت نمی گیرد (همان).

این مجموعه شرایط به خوبی بر روی برخی از فرآیندهایی است که ما بررسی کردیم، جایی که شرکت کنندگان به دنبال دستیابی به بسیاری از آنها بودند. در واقع، در مورد این مسئله به نظر می رسد که عمل و نظریه برای چندین سال به طور موازی و بدون شناخت متقابل زیادی در حال حرکت بوده است. متخصصانی که فرآیندهای حل اختلاف و ایجاد اجماع را مدیریت می کنند سعی می کنند اطمینان حاصل کنند که همه چیز شنیده می شود و از همه چیز آگاه هستند. در این موارد، شرکت کنندگان معمولاً تلاش می کردند تا همه ذینفعان، حتی کسانی که با آنها مخالف هستند، درگیر شوند زیرا آن ها می دانستند که بدون دانش و چشم انداز همه کسانی که دارای منافع قابل توجه هستند، نمی توانند یک راه حل پایدار پیدا و ارائه کنند. شرکت کنندگان اغلب محدودیت ها و مفروضات پذیرفته شده را به چالش می کشیدند و گاهی اوقات متوجه می شدند که این محدودیت ها می توانند تغییر کنند. بعضی اوقات گروه ها استراتژی های ابتکاری تولید می کردند که از تحلیل بوروکراتیک یا تجارب تخصصی پدید نمی آمد. حضور ذینفعان متعدد و یکسان سازی اطلاعات به جلوگیری از هم افزایی کمک می کند (همان).

۸-۳- انتقادهای وارده بر پایه های نظری برنامه ریزی ارتباطی:

برخی از انتقادات وارده بر این نظریه به شرح زیر

دوم، نظریه پردازان ارتباطی نقش برنامه ریز را تبدیل به عنصر مرکزی و محور بحث می نمایند. بنابر این دو مورد از فرآیند برنامه ریزی محو خواهند شد، یکی متنی که برنامه ریزان در آن فعالیت می کنند و دیگری برآمد برنامه ریزی. این دیدگاه بدین معنی است که در فرآیند برنامه ریزی ارتباطی، برنامه ریزان، اندیشه خود به عنوان شاخص در نظر گرفته و مستقل از متن، تصمیم خواهند گرفت.

بر خلاف طرفداران مدل های عقلانی، نظریه پردازان ارتباطی توانسته اند بر موضوع تسلط پیدا کرده و به آن بپردازند. اما مانند آن ها، فاقد پرداختن به "هدف" هستند. همان طور که در نظریه های حقوقی هدف از تحلیل، رابطه بین سیستم حقوقی و جامعه و در نظریه های پزشکی تمرکز نگرانی بر بدن انسان است. در نظر به برنامه ریزی ارتباطی، برنامه ریز در کانون توجه قرار دارد(همان).

در مقابل پاسخ به این پرسش که در مورد شهرها و مناطق چه کاری باید انجام شود. برنامه ریزان ارتباطی به طور معمول به این موضوع پاسخ می دهند که برنامه ریزان چه کاری را باید انجام دهند و پاسخ این است که آن ها باید خوب باشند. به عنوان مثال برنامه ریزان باید حقیقت را بگویند و در مورد قضاوت خود پافشاری نکنند و منافع خود را بر منافع جمع مسلط نکنند. در واقع ابعاد اخلاقی ارجح بر ابعاد تخصصی و حرفه ای برنامه ریزان به شمار می رود.

سوم، جنبه دیگر نقد بر برنامه ریزان ارتباطی، فن سالاران هستند که آن ها را نقد می کنند. آن ها ظاهراً بر این باور هستند که برنامه ریزان یک ادعای خاصی دارند و آن این است که اخلاقاً بی طرفانه باشند. برنامه ریزان باید در عمل و در سیاست گذاری ها و همچنین در دوره آینده مطلوب و ممکن به طور معمولی و گام به گام استدلال کنند. برنامه ریزان ممکن است صادقانه عمل کنند، اما با این حال در مقابل مردم غیر قابل

اعتماد باشند همچنین ممکن است موشکافانه عمل کنند اما ارزش حضور مردم را درک نکنند، به مردم قوت قلب می دهند و در عین حال آن ها را می رنجانند در جایی که مردم نیاز به کمک دارند، برنامه ریزان خواهان تبعیت از آن ها هستند و در جایی مردم قصد ابراز حسن نیت دارند، آن ها ممکن است انتظارات خود را غیر واقع باورانه بالا ببرند. در این صورت با پیامدهای فاجعه بازی روبرو خواهیم بود اما این مشکلات به سختی اجتناب ناپذیر هستند. هنگامی که برنامه ریزان طبیعت عملی و ارتباطی اعمال خود را به رسمیت می شناسند، آنها می توانند راهبردهایی را برای جلوگیری از این مشکلات و بهبود کاربست برنامه ریزی خود تدبیر نمایند(Forester,1989:135-139).

چهارم، زاویه دیگر نقد بر برنامه ریزی ارتباطی، توجه بیش از حد بر نمونه های موردی در تصمیم گیری ها در فرآیند برنامه ریزی است. هر چند نمی توان بهره ها و فرآیند یادگیری تجربی و یا کمک تحلیل های موردی را در درک بهتر پدیده ها را انکار کرد، اما این معانی از قبیل قرار دادن نمونه های موردی در متنی گسترده تر، شکل گیری گزاره های مقایسه ای که منجر به تحلیل های نامحدود برای تفسیر، فراتر از تجربه های فردی قرار دارند.

پنجم، علاوه بر این، در مورد روش کار، نظریه ارتباطی نکات بنیادی ای را از نظر به چند گانه باور شامل می شود. نظریه پردازان ارتباطی از پرداختن به موضوع های کلاسیک اجتناب می کند. این مباحث به این می پردازند که هنگامی که محصول فرآیند های باز برنامه ریزی، ناعادلانه باشند. برنامه ریزان چه اقدامی باید انجام دهند(Fainstein,2000,472).

انتقادهای وارد بر نحوه عمل در برنامه ریزی ارتباطی را نیز می توان چنین عنوان کرد: از انتقادهای وارد بر این نظریه

فاصله بین نظریه و عمل است. فاین اشتاین با

فرآیند های پیشین نمی توانند به خوبی پاسخگو و تامین کننده ظاهر شوند.

شکاف میان جوامع و نحوه پاسخدهی به پرسش های مطرح شده در جوامع در حال توسعه عمیق تر خواهد بود تا جایی که علم برنامه ریزی و شهرسازی در چنین جوامعی معنای خود را از دست داده است.

برنامه ریزی ارتباطی با هدف کاهش فاصله میان تصمیم گیران و ذی نفعان توسط هابرماس پا به عرصه نهاد و در طول زمان بستر های مطالعاتی و تحت نفوذ خود را گسترده کرد.

برنامه ریزی ارتباطی تحت تاثیر دو عنصر پول و قدرت نتوانسته آن گونه که باید به جلب و جذب نظرات ذی نفعان بپردازد. بدیهی است در پروژه های شهری نیز امروزه هدف جذب سرمایه و پیشرفت در ابعاد کالبدی و اقتصادی خواهد بود و نیاز و میل ذی نفعان هیچگاه در اولویت نخواهد بود.

برنامه ریزی ارتباطی می کوشد تا با دیدگاه و چشم انداز وسیع تر اقدامات واقع در سطح شهر را پیش ببرد. در این رویکرد فرد به تنهایی مورد بررسی نیست و جوامع انسانی و نیاز های آن ها در دستور کار قرار دارد.

بهرتر است در راستای تحقق برنامه های آتی، به مفهوم محدودیت در ابعاد گوناگون، اهتمام بیشتری ورزید و این مهم نیازمند اصلاح الگوی سازمانی خصوصاً در سازمان های ذی ربط خواهد بود.

اشاره به این مشکل بیان می کند مشارکت کنندگان در فرآیند برنامه ریزی

از قدرت واقعی برای مشارکت برخوردار نیستند، حتی در صورت برخورداری از قدرت واقعی، توافق مشارک کنندگان با

یک سند لزوماً به معنی اجرای آن نیست. فارستر می گوید اگر ما بفهمیم چه وقت برنامه ریزان بلف می زنند در واقع می توانیم کلیدی داشته باشیم که چه وقت آن ها این کار را انجام نمی دهند. بنابراین می توانیم میان اطلاعات اغراق آمیز و غیر واقعی و اطلاعات صحیح تفکیک قائل شویم (Forester, 2001).

۴- روش تحقیق

روش تحقیق بنیادی ترین و مهم ترین بخش هر تحقیق بوده و به مفهوم روش علمی و منظم برای رسیدن به پاسخ پرسش های تحقیق، در هر شاخه از دانش بشری به صورت های متفاوت به کار رفته است. روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش را می توان در دسته ی کاردبری قرار داد. برای گردآوری داده ها و اطلاعات از روش کتابخانه ای و جست و جو در منابع مرتبط استفاده شده است. هدف تحقیق شناسایی جایگاه برنامه ریزی ارتباطی، در تصمیمات و پیش برد سیاست ها می باشد.

۵- نتیجه گیری و پیشنهاد

شرایط امروزه جهان پسا مدرن، بر پایه برقراری ارتباطات و زمینه سازی در راستای ارتقا بستر های تعاملاتی گام بر میدارد. به نظر می رسد زمان تغییر در زیر ساخت های ارتباطی و شیوه ها و فرآیند های برنامه ریزی در راستای بهبود سطح زندگی جوامع انسانی فرارسیده است.

با پیشرفت جوامع و توسعه نیازها و خواسته های انسانی با معیارها و پرسش های متعددی روبرو خواهیم بود که

6- References

Persian References:

- Asgari, Zahra, Explaining the place of communication theories in modern urban planning, 2013, the first national conference on urban planning and architecture over time
- Eastgoldi, Mostafa, Communication Action Underlying Citizens' Participation in the Urban Development Process (Case Study: Gorgan City), 2015, Geographical Research in Urban Planning
- Hashempour, Rahim, Communication planning, a new paradigm in urban planning: with emphasis on Iran, 2013
- Nezam Bahrami, Kamil, Interview in the Thought of Jürgen Habermas, 2002, Quarterly Journal of National Studies, Fourth Year
- Nouri Kardar, Mohammad, A Study of the Role of Communication as a New Approach in Promoting Quality and Urban Development in Iran: A Case Study of Sohrabieh Neighborhood in Karaj, 2017, Quarterly Journal of Urban Management, No. 49
- Rafieian, Mojtaba, The role of communication planning approach in modern theories of urban planning, 2011, Armanshahr, No. 7
- Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza, Communication Planning, A Critical Approach to Planning Theory (with Emphasis on Rural Development Planning), 2013
- Tarhani, Hossein, Public Interest Analysis in Communication Planning Theory, 2017, International Congress of Interdisciplinary Studies in Basic Sciences and Engineering
- vali, Abbas, Politics as Communication Rationality, 2011, Journal of Political Science, No. 14
- Yazdanian, Ahmad, The Impact of Public Sphere on Citizens' Participation in Urban Affairs, with Emphasis on Urban Reconstruction, 2016, Haftshahr Magazine, No. 53

Latin References:

- Flyvbjerg, Bent and Richardson ,Tim, Planning and Foucault: In Search of the Dark Side of Planning Theory, In Philip Allmendinger and Mark Tewdwr-Jones, 2002, Planning Futures: New Directions for Planning Theory ,London and New York
- Foley , John, Communicative planning theory and community initiatives, 1997, Department of planning and urban studies
- Forester, John, 1999. Planning in the face of power. Berkeley: university of California press.
- Innes , Judith E. , Information in Communicative planning,1998,
- Judith, and Booher, David, 1999. "Metropolitan Development as a Complex System: A New Approach to Sustainability", Economic Development Quarterly 1999
- Kirkhaug , Trine Rydningen , Communication in urban planning, How quality of communication can facilitate constructive citizen participation,2016
- Mannberg , Mariann, Communicative Planning (How) Does it work?, 2006, Department of civil and Environmental Engineering

- Martens , Karel, Communicative planning theory: change needed to change practice,2013, institute for Management Research
- Simeonova , Vanya, Amold van der Valk, The need for communicative Approach to Improve Environmental Policy Intrgration In Urban Land Use Planning,2009, Journal Of Planning Literature



نحوه ارجاع به این مقاله:

صادقی پور، طرلان. (۱۴۰۱). تبیین پایه های برنامه ریزی ارتباطی در حیطه برنامه ریزی شهری،
شهرسازی ایران، ۵ (۸)، ۸۳-۹۶

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1401-5-7-article6/>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27170918.1401.5.8.6.4>